

یکشنبه ۲۷ نوامبر ۲۰۱۶

ناتور رحمانی

خنیانگر زمان !

ای آنکه در آوازت
درد جانکاه سالهاست
تو چنین اندوهبار
چنین عصیانگر
برای کی آواز میخوانی ؟
من برای کودکان سرزمین
خون و خاکستر
برای ملت هراسان از جنگ
من برای مرگ دردناک هنر
در زرادخانه تیر و تفنگ
آواز میخوانم
من برای بربادی تمام
برای غم هر صخره و سنگ
آواز میخوانم
من گلویم پُر از درد و ماتم است
من برای نابودی فرهنگ
آواز میخوانم
اگر آهنگ من لطافت شاعرانه ندارد
شور و شوق عاشقانه ندارد
اگر برای می و معشوقه نمی خوانم
چکنم
که صدای سوخته من
پیام غم دارد
من از درد بی انتهای آهنگ
میخوانم
من آواز خوان دوره گردم
همه اشکم ، همه آهم
همه دردم



زخمه بر تار میزنم
برای تاراج شده ها
در هر گذر با چنگ
آواز میخوام ناتور

